



انسِل الگورت (راست) و نیکول کیدمن در صحنه‌ای از فیلم «Gold finch»

قصه نوجوانی که تبهکار شد

گشستی در دنیای سینما

و با اینکه بسیار می‌کوشد همان رویداد را چراغ راهی برای آینده روشن‌تر خویش قرار دهد، سرانجام سر از دنیای تبهکاران در می‌آورد و تبدیل به آدمی از قماش همان‌ها می‌شود. جان کراولی که کار دراماتیک قبلی‌اش به نام «بروکلین» کاندیدای چند جایزه اسکار شد، کارگردانی این فیلم را هم که براساس یک رمان برنده جایزه معتبر پولیتزر ساخته شده، برعهده داشته و انسِل الگورت با پیشینه بازی در فیلم «بچه راننده» ایفاگر نقش اصلی این فیلم یعنی همان نوجوان رو به تباهی رفته است. سایر بازیگران اصلی این فیلم که از ۳۰ آبان در سطح دنیا اکران می‌شود، سارا پولسون، جفری لایت، لوک ویلسون و البته نیکول کیدمن معروف و استرالیایی هستند.

بازگشت «فرشتگان» پس از سال‌ها قفرت

پس از سال‌ها قفرت نسخه تازه‌ای از سری فیلم‌های بلند سینمایی «فرشتگان چارلی» که برگرفته از یک سریال تلویزیونی پرطرفدار نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ و نیمه اول دهه ۱۹۸۰ است، از ۱۰ آبان امسال در سطح جهان اکران می‌شود و کارگردانی آن را به الیزابت بنکس سپرده‌اند که به‌رغم جوانی هر سال بیشتر از سال قبل از جمع بازیگران به گروه کارگردانان تغییر جایگاه و حرفه می‌دهد و توانایی‌هایش در حرفه دوم پیوسته آشکارتر می‌شود. همچون همیشه «فرشتگان چارلی» پیرامون سه مأمور مخفی ویژه زن است که از حوزه اختیارات وسیع و قابلیت‌های فراوان در اجرای مأموریت‌های محوله به خود بهره می‌گیرند و دست به کارهای حیرت‌انگیزی می‌زنند. لویینا نیونگو و کریستین استوارت از بازیگرانی هستند که در این نسخه تازه در قالب این پلیس‌های زن ظاهر می‌شوند و این در حالی است که طی نسل اولیه امثال فارا فاست فقید در این نقش‌ها ظاهر و صاحب شهرت فراوان شدند.

قاتلی که راه فرا ندارد



ویل اسمیت (راست) و روبری ووی در نسخهٔ ناشناخته خود در پوستر فیلم «مردی از جیمینی»

«مردی از جیمینی» عنوان فیلم تازه‌ای است که انگ لی کارگردان مشهور تایوانی تدارک دیده و قرار است از ۱۵ مهرماه در سطح جهان به نمایش درآید، این یک فیلم از ژانرهای دلهره و علمی – تخیلی و با دربرداشتن بارقه‌هایی از فیلم Looper ساخته تحسین شده رایان جانسون است و بر این اساس قاتل اجیر شده و متخصصی را به نمایش می‌گذارد که پس از سال‌ها رعب آفرینی و حذف این و آن به این نتیجه رسیده که بهتر است گرد چنین کارهایی نگردد و از این پس به‌دنیای دیگری ورود کند اما مشکل ویژه وی این است که کارفرمایان او چنین چیزی را بر نمی‌تابند و موجودی را که به لطف هنر و صنعت cloning و شبیه‌سازی از روی او ساخته شده، مأمور قتل و حذف وی می‌کنند. انگ لی که پیشینه فتح اسکار را هم با فیلم رزمی و مشهود «ببر خیزان، آژدها نپهان» دارد، اضافه بر ویل اسمیت که ایفاگر نقش اصلی است، از کلایو اوون و الیزابت وین استن نیز در مجمع بازیگرانش در فیلم «مردی از جیمینی» سود جسته است.

فیلم جدید تام هنکس اشک‌ها را درمی‌آورد

«تو دوست من هستی» فیلم تازه ماریل هلر که ۳۰ از مهر در سطح دنیا به نمایش درمی‌آید، داستان زندگی «فرد راجرز» خالق و مجری برنامه تلویزیونی پرطرفدار «در همسایگی آقای راجرز» است و به تیج آن و براساس آنچه برای راجرز روی داد، باید در انتظار یک فیلم گریه‌بار بود که برای تماشاچی آن با انبوهی از دستمال‌های کاغذی روبه‌روی پرده نقره‌ای نشست! تام هنکس مشهور و دیرپا ایفای نقش اصلی یعنی آقای راجرز را برعهده دارد و آنهایی که نسخه ای از فیلم هلر را دیده‌اند، می‌گویند او در نقش تازه‌اش کولاک کرده است. با این حال نمی‌توان منکر شد که هلر و همکارانش قاعدتاً از کار معروف و مستندی به نام «آیا همسایه من نخواهی شد؟» محصول ۲۰۱۸ برای ساخت اثر هنری خود خط فکری گرفته و تأثیر پذیرفته‌اند.

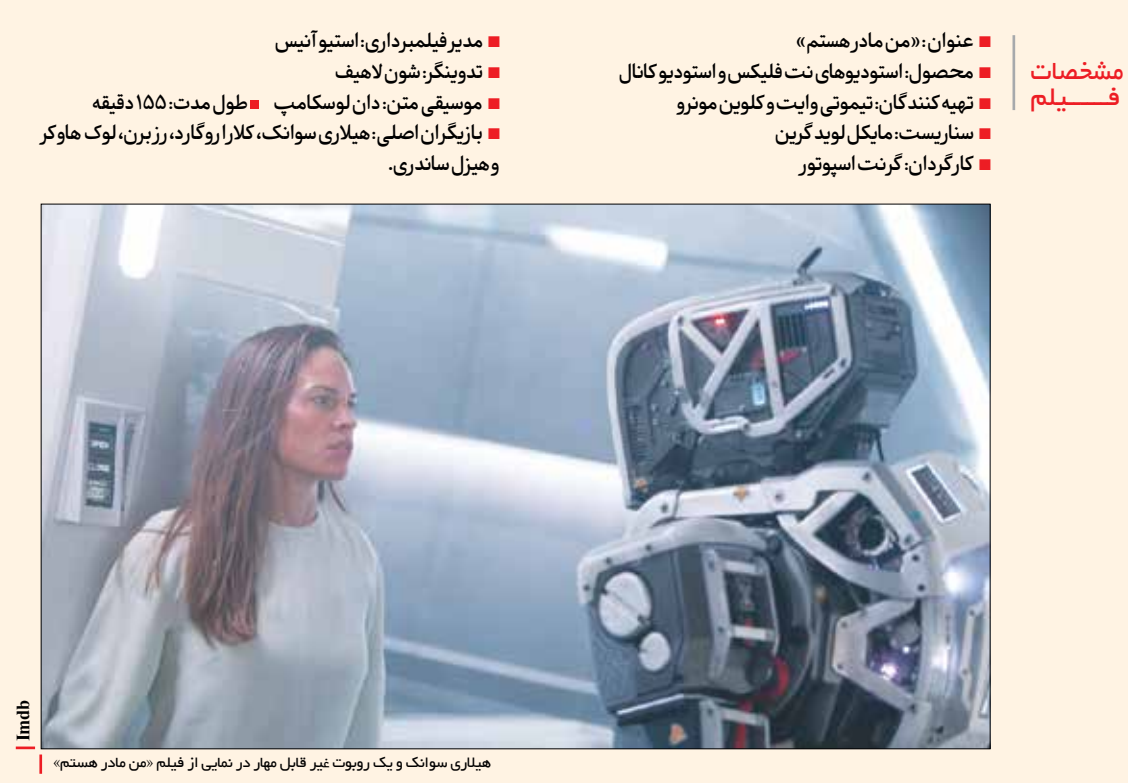
ظهور نسخه کار تونی خانواده آدامز



نسخه تازه و کارتون‌نی «خانواده آدامز» که فیلم‌های قبلی‌اش بسیار پر فروش بودند و با اقبال مردمی فراوانی مواجه شدند، از ۲۲ مهر امسال در آمریکای شمالی و از اول آبان در دیگر نقاط جهان به نمایش درمی‌آید و از کارگردانی مشترک گرگ تی‌برنان و کانارد ورنون بهره می‌گیرد و واین در حالی است که عمده‌ترین فیلم قبلی تولید شده توسط این زوج هنری «میهمانی سوسپسی» بوده است. منتقدان توقع دارند تمامی نوگرایی‌های مشاهده شده در فیلم‌های قبلی تی‌برنان و ورنون در این کار تازه سینمایی نیز تجلی یابد و چون از صدا پخش‌هایی آشنا چون اسکار ایزراک، جلودرگیس مورنز و چارلیز ترون برای تأمین صدای کاراکترهای گومز و مورتیشیا بهره‌رفته شده، شاید امیدهای این عده به بار نینشیند. هرچه هست، در این نسخه انیمیشنی هم از کارهای مرجع و اولیه چارلز آدامز که خالق این داستان و کاراکترهای آن بوده، الهام فراوانی گرفته شده است.

مشخصات فیلم

- عنوان:** «من مادر هستم»
- محصول:** استودیوهای نت فلیکس و استودیو کانال
- تهیه کنندگان:** تیموتی وایت و کلون مونیرو
- سناریست:** مایکل لوید گرین
- کارگردان:** گرنت اسپنوتور



درباره «من مادر هستم»، فیلم علمی – تخیلی تازه‌ای با بازی هیلاری سوانک

حفظ بشریت در قبال خطرات عظیم ناشناخته

فیلم هفته

وصال روحانی

مندرجم

آخرین باری که هیلاری سوانک هنرپیشه ۴۵ ساله زن متولد ایالت سردسیر نبراسکای آمریکا در یک فیلم علمی – تخیلی بازی کرد، مربوط به سال ۲۰۰۳ و فیلمی به نام «The Love» می‌شد. در آن فیلم سوانک در قالب یکی از اعضای تیمی تحقیقاتی و علمی که سطح زمین را می‌کاویدند و به عمق فرو می‌رفتند تا کره خاکی را از خطر نابودی در مواجهه با یک خطر ناشناخته تازه مصون نگه دارند، حضور محسوسی داشت و این در همان مقطع زمانی ویژه‌ای روی داد که هیلاری با بازی‌های خبرسازش در دو فیلم «پسرها گریه نمی‌کنند» محصول ۱۹۹۹ و «عزیز یک میلیون دلاری» عرضه شده در ۲۰۰۴ دو جایزه اسکار بهترین بازیگر زن سال را دریافت کرد و در این حد فاصل در آثار دیگری مانند «بیخوابی» کار سال ۲۰۰۲ کریستوفر نولان، «خاک سرخ» (۲۰۰۴) و «آمه‌لیا» (۲۰۰۹) نیز جلب نظر کرد. درخشش در «مرد خانگی» و سترن سال ۲۰۱۴ تامی لی جونز و سریال تلویزیونی «اعتماد» در ۲۰۱۸ سوانک را پس از چهار، پنج سال حضورهای معمولی باز در مرکز توجه قرار داد و اینک «من مادر هستم» می‌تواند محل و دلیلی برای توجه دوباره به به وی باشد.

کاترین هاردویک از «خانم بالا»، سینمای اکشن و برخورد فرهنگ‌ها می‌گوید

نشانه‌هایی آشکار از تنش‌های آمریکا و مکزیک



جینا رودریگز حرف اول را در «همیس بالا» می‌زند

میگل دولنده» رشته هنر را می‌خواندم و براساس شرایط و الزام‌های درسی‌ام و همچنین علایقی که داشتم دستم به مسافرت‌های گسترده‌ای در سطح مکزیک زدم و اگر بگویم به تمامی ایالت‌های این کشور سر زدم، اغراق نکرده‌ام. در جای جای مکزیک می‌توان هنرهای ناب این کشور را حس کرد و برخی شاخه‌های جنبه‌های آن مثل موسیقی در بالاترین و جذاب‌ترین سطح ممکن است.

■ **وسینمای آن نیز همین‌طور.**
بله، آن نیز بی‌نیاز از گفتن است و همگان در دو دهه اخیر از دیدن کارها و اندیشه‌های ناب امثال ایناریتو، کوارون و وول تورو به وجد آمده‌اند. چیزی وجود ندارد که بتوان در سایه آن مهارت‌ها و وسعت فکری این هنرمندان را بدرستی و با وسعت لازم نشان داد.

■ **ظاهر از نشان دادن ابعاد فرهنگی شهر تیخوانا و سایر مناطق مکزیک هم در فیلم‌تان غافل‌نمانده‌اید.**

همین‌طور است زیرا معتقد بوده‌و هستم که تنها وجه مکزیک برخی خشونت‌های رفتاری نیست که به سبب ضرورت‌ها از بعضی اتباع این کشور سر می‌زند. اینکه همه جنبه‌ها و ابعاد فرهنگی و مثبت یک منطقه را کشور را دیده بگیریم و نمی‌توان آنها را از جنس و تبار لاتن‌شان سوا کرد و با آن آمیخته‌اند. آنها از جانب هر دو طیف مورد انتقاد قرار دارند. چه آمریکایی‌ها که آنها را خودی نمی‌دانند و چه فرهنگ اختصاصی آن کشور قابل رؤیت و لمس است. در هر جای این شهرها می‌توان نشانه‌های شعر و ادب و نقش و نگارهای حک شده روی دیوارها را رؤیت و از یک فرهنگ غنی پرده برداری کرد و

بازی در فیلم‌ها ۳۰ سال پس از شروع این پروسه برای من همان تازگی‌ای را دارد که در اوایل سال‌های بازیگری‌ام داشت.

■ **قلت سوزهای منحصربه‌فرد**

با این حال امکان ندارد که سوانک این را منکر شود که کاراکتر محوله به وی در فیلم

«من مادر هستم» چیزی مانند کارهای سابق او است و وجه تمایز آشکار و زیادی با گذشته‌وی ندارد. این موجود عجیب که صر فاً با کلمه مادر نامیده می‌شود، واقعاً کیست و چه می‌کند؟ این سوآلی است که سوانک در اوایل تابستان ۲۰۱۹ این گونه به آن پاسخ می‌دهد: مدت‌ها است که پیدا کردن سوزهای منحصر به فرد و متفاوت بسیار سخت شده‌و در اکثر اوقات سناریوی فیلمی به شما پیشنهاد و متن آن به شما واصل می‌شود که نمونه‌ها و کپی‌های مشابه آن یا رها و بارها در گذشته به دست تان رسیده بود. فرق داستان کره خاکی را که بخشی از آن آشکار و بقیه آن پنهان است به‌خوبی روشن می‌کند و جهانی را به تصویر می‌کشد که به‌طور واضح چند قطبی و چند پاره شده است و سایرین و مردم عادی سهمی در ترسیم شرایط آن ندارند و فقط طبق خواسته‌های سایرین به زندگی می‌پردازند و چیزی از خود ندارند و هر چه هست دنباله روی ایده‌های سایرین و افراد قدرتمندی است که زمامداری یک دنیای پس از فاجعه‌ای بزرگ و احتمالاً زیست محیطی را در دست گرفته‌اند.

■ **دغدغه‌آینده**

یک مشخصه آشکار چنین دنیایی سیاه و سفید بودن آدم‌ها و کارها و وجه تفکیک بالنسبه آسان بین آنهاست. مایا آدم‌های خاکستری زیادی که دوسویه باشند و هر لحظه به شکلی در آیند طرف نیستم و لزوماً هیچکس سلامتی و محیط زیست را جدی نمی‌گیرد. شک نکنید که فیلم حتی در صورت ضعیف شمرده شدن سناریوی آن یک اثر هنری است که کنجگای‌های را برمی‌انگیزد و انسان را به تفکر وامی‌دارد و نسبت به شرایط کره زمین و آینده آن دچار دغدغه می‌کند.

منبع: Washington Post

نمادهای تغییر در سال خونبار هالیوود

کوشن‌تین تاران تینو از حالا آماده اکران عمومی فیلم جدیدش می‌شود اما واکنش‌های او در جشنواره چندی پیش کن فرانسه در قبال منتقدانی که قصد داشتند قسمت‌هایی از فیلم‌وی و اجزای تشکیل دهنده آن را به نقد بکشند، هشانگر این است که او برای شنیدن هیچ نقطه نظر منفی‌ای در این خصوص مهیا نیست. بی‌حوصلگی و بحث با منتقدان فیلم‌هایش از عادات تاران تینو نیست اما این سینماگر ۵۶ ساله آمریکایی وقتی در مهم‌ترین جشنواره سینمای جهان با این سؤال بدیهی و قابل درک خبرنگاران روبه‌رو شد که چرا سهم مارگوت رابی را در فیلم جدید و ساختار شکن‌اش «بنام «روزی روزگاری در هالیوود») این قدر آنکد در نظر گرفته است، بای صبری توأم با اهانت اظهار داشت: بهتر است نقدهایتان را برای خودتان نگه دارید و هر آن‌چه می‌گویید، خلاف مقتضیات و نیازهای قصه است.

مارگوت رابی در فیلم مذکور نقش شارون نیت معروف و جوانمرگ را بازی می‌کند که در تابستان فاجعه‌وار سال ۱۹۶۹ هالیوود به دست چارلز مانسون و دنباله روهای این قاتل دیوانه قطعه‌قطعه و به‌طرز فجیعی کشته شد. «روزی روزگاری در هالیوود» ضمن به تصویر کشیدن بدخیم‌ترین سلاخی در تاریخ حیات شهر ریواسازی‌های کاذب، فضایی تلخ و واقعی‌ای از روزهای هنر فیلمسازی که به سبب ناآرامی‌های دهه ۱۹۶۰ با برخی آشفتگی‌های اساسی همراه بود را به دست می‌دهد و البته پایه و اساس خود را روی دو چهره مرکزی می‌گذارد که شاید تخیل صرف و شاید هم ریشه در واقعیت داشته باشند. یکی از این دو نیز ریک دالتون (با بازی لئوناردو دی‌کاپریو) است که یک هنرپیشه نزول کرده آلد تلویزیونی است و دیگری کلیف بوت (با بازی برادپیت) که همیشه به‌عنوان بدل‌وی در صحنه‌ها وظیفه کرده است. باقلم و دوربین تاران تینو، این دو مورد و کارهایشان و البته برخی نمادهای دیگر سال ۱۹۶۹، نشانه‌های وقوع تغییراتی اساسی در مکانیسم‌های کار در هالیوود تلقی شده‌اند. تاران تینوطی قریب به ۳۰ سال فیلمسازی و در بطن آثاری مثل



همشئیلن پاپچینو (راست) لئوناردو دی‌کاپریو (وسط) و برادپیت در فیلم جدید تاران تینو «پالپ فیکشن»؛ «جکی براون»، دوگانه «بیل رابکش» و همچنین وسترن‌های ریزیرویونیستی «انگژو آزاد شده» و «هشت نفرت انگیز» همیشه نوعی رنسانس را جست‌وجو می‌کرده است و به‌قول مارگوت رابی پیام رسانی‌های این هنرمند بدیاد با برگش‌های ویژه و افاق‌هایی همرها شود. رابی که به نظر منتقدان با نداشتن هیچ دیالوگ اساسی و با کمترین سهم تصویری در دل فیلم جدید تاران تینو نتوانسته است یک ارچگذار شایسته بر شارون تیت و خاطره ویران شده او باشد، به لس‌آنجلس تایمز گفته است: هر آن‌چه از من در این فیلم می‌بینید، همه چیزهایی است که برای پاسداشت تیت به آن نیاز بوده است. و قریب‌ای بزرگ و پیوهده رودی از جنایت پیشگی در یک سال سرشار از هرج و مرج شد که هیچ سهمی در ایجاد آن چه مانسون و اعضای باند مخوف وی آن را محکوم می‌کردند و شایسته حذف از کره خاکی می‌دانستند، نداشت. بامرگ هولناک تیت به واقع هالیوود تبدیل به محل سلاخی آرزوها شد.

منبع: Sight and Sound